



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

اختصاص روزی از سال به عنوان روز جهانی مادر، گامی است مثبت در جهت ارج گذاری زحمات این قشر سرشار از عاطفه که از هیچ نوع گذشت و فداکاری در رشد و شکوفایی فرزندانشان دریغ نمی کنند.

آن چه مسلم است این که در قبال عشق، محبت و پاکی که مادر نثار فرزند خود می سازد، انسان از قدردانی عاجز و ناتوان است و بی تردید همین ناتوانی انسان در ارج نهادن به ارزش و مقام مادر بود که بهشت را زیر پای مادران قرار داد.

ما در این روز که به تجلیل از مقام مادر اختصاص داده شده، پای صحبت همشهریان نشسته ایم تا بدانیم، در قدردانی از مادر چه گفتنی دارند، ارزش و نقش مادر را در خانواده به چه دیدی می بینند و چه وظیفه ای در قبال زحمات مادر احساس می کنند؟

غلام محمد پویا از پلی تکنیک مادران را پایه گذاران اساسی یک ملت و خانواده می داند و می گوید: «خانواده ی بدون مادر به مثابه خانه بدون پایه است و مردان جامعه را مادران می سازند و به همین دلیل اساس یک جامعه را تشکیل می دهند.»

مادران همواره در مسیر رشد و تربیت فرزندان خود از حق و حقوق طبیعی خود گذشته و خود را وقف خانواده و فرزندان خود می سازند و بی شک با تربیه نسل آینده بیشترین تأثیر را در رشد و پویایی جامعه خویش دارند، ولی محدود ساختن نقش مادران تنها به پرورش مردان جامعه، واقعیتی است که خودخواهانه از جانب همین مردان

به جامعه تلقین شده و نقش و تأثیری که زن می‌توانست به از وظیفه‌ی مادری و همسرمداری خود در جامعه ایفاء بسازد کمرنگ شود.

غلام محمد پویا همچنان احترام خاص را به مادران قائل شده ولی به این امر واقف است که مادران، به تناسب طبقات و الگوهای منطقی، جایگاه متفاوتی داشته و در اکثریت موارد مادران افغان زیر سلطه هستند. البته جایگاه مادران در جامعه افغانی به نسبت مردسالاری جامعه ما از اعتبار خاص خود برخوردار نیست و با وجود تمام گذشت و فداکاری‌های این قشر، همواره مظلوم‌ترین قشر از جامعه بوده اند. لطیف فطرت محصل روانشناسی وصف مادر را تنها در یک جمله «بهشت زیر پای مادر است» خلاصه می‌سازد و به این عقیده است که ارزش مادر در معنویت است و در عشق پاک وی به فرزندانش نمایان می‌گردد. تعلق خاطری که مادر نسبت به فرزندان خود دارد، در هیچ رابطه‌ای به مشاهده نمی‌رسد.

پوهنوال داکتر محمدعارف تنیوال رئیس فاکولته ساینس نیز در توصیف مقام مادر می‌گوید: «اولین معلم زندگی هر انسانی مادر است، بزرگان دنیا مولود مادرند و به وسیله همین مادر است که تربیه شده اند.» رفتارها و هنجارهای اجتماعی اول بار در کانون خانواده ها و توسط مادر خانواده در درون شخص شکل می‌گیرد و اخلاقیاتی که توسط مادر در شخص درونی می‌گردد، در تمامی تعاملات اجتماعی، بنیاد شخصیتی وی را تشکیل می‌دهند. مادری که با گذشتن از خواسته‌های خود تمام وقت خود را صرف تعلیم و تربیت فرزندان خود می‌کند، تقدیر و ارج گذاری بسیاری را می‌طلبد ولی آیا می‌توان با شاخه گلی و یا تحفه ای در تجلیل از این روز کوشید؟

فروزان یکی از همین مادران در مورد ارزشمندترین تحفه ای که می‌تواند در قبال زحماتش تقدیمش گردد، می‌گوید: «مادر تمام تلاش خود را در تربیه طفل خود می‌کند تا خوب تربیت شده، صاحب کمال گردیده و در آینده نقش مهمی در اجتماع داشته باشد.»

باید با احترام گذاشتن به مقام مادر و خوشنود ساختن وی با مسائلی که از ما انتظار دارند، تا حد امکان دین خود را نسبت به مادری که از شیریه ی جان خود فرزندانش را تغذیه می‌کند، ادا نمائیم.

پوهنوال تنیوال احترام به مادر را در جامعه ما کمرنگ دیده و معتقد است جامعه ما با مشکلات فراوانی روبرو است که مادران نیز از این مشکلات اجتماعی بی‌نصیب نیستند.

قتل و کشتاری که در طول چندین سال جنگ در کشور به ملاحظه رسید، مادران سرزمین را داغدار ساخته و آن‌ها را در غم فرزندان و جوانان خود گذارد و آن چه مسلم است هیچ فردی به اندازه مادر این سرزمین، در غم از دست رفتن جوانان وطن رنج ندیده و درد و ناراحتی را متحمل نگردیده است. چه بسیار مادرانی که بدون وجود مردان خانواده، سرپرستی از خانواده خویش را به عهده گرفته و چون کوهی استوار در قبال مصائب ایستادگی کردند. بی‌تردید هر فرد این وطن مدیون به مادران این وطن و مرارت‌ها و سختی‌هایی است که آنان به دوش کشیدند. مریم در مورد تجلیل از روز جهانی مادر می‌گوید: «مادران از ما انتظار تحفه و تشکر آن چنانی ندارند، ولی خوب است تا فرزندان با احساس وظیفه شناسی از زحمات مادر با تحفه ای هر چند ناچیز قدردانی کنند.» وی معتقد است هر فردی باید منتظر این فرصت باشد تا با تبریک گفتن این روز، در خوشنود ساختن مادر بکوشد. وی می‌گوید قابل بخشش نیست که فرزندی روز جهانی مادر را فراموش کند.

ولی متأسفانه چنان که باید، در جامعه ما تشکر و سپاسگزاری از مادر در روز جهانی مادر، نهادینه نشده و اکثریت

مردم این روز و اهمیت تجلیل از آن را از یاد می برند که البته خود نیازمند به توجه وزارت اطلاعات و فرهنگ و تبلیغات گسترده در رسانه‌های گروهی می‌باشد، چرا که احترام و گرمی داشت مقام مادر برآمده از فرهنگ و عرف اسلامی ماست.

ملالی که خود مادر چند طفل است، می گوید که کمتر فرصتی برای دیدار از مادرش دارد، چرا که مشکلات زندگی خانوادگی این اجازه را به او نمی‌دهد و در ضمن تربیت فرزندان، بیشترین وقت وی را در بر می گیرد، ولی او از آن جا که خود مادر است، می تواند احساسی که یک مادر نسبت به فرزندانش دارد درک کند و به این فکر می کند که تحت هر شرایطی این روز را به دیدار مادرش شتافته و تا حد امکان، دیگر اعضای خانواده را هم در این روز به گرد مادر جمع خواهد کرد.

دوری مادر از فرزندان لطمت شدید روحی و روانی را برای روحیه لطیف و حساس مادر به دنبال خواهد داشت، ولی در شرایطی که هنوز بسیاری از فرزندان در دیار هجرت می باشند و یا به دلایل متفاوت از مادران خود دور هستند، با تلفن زدن و تبریک گفتن این روز هم می توانند لحظه ای در شاد ساختن روحیه مادر خود بکوشند. هر فردی این وظیفه را خواهد داشت که حداقل تلاش خود را برای شاد ساختن مادر با قدردانی در این روز داشته و دین خود را در قبال فداکاری ها و زحمات مادران ادا نماید.

احترام به پدر و مادر از دیدگاه قرآن

پدر و مادر به عنوان دو انسان فداکار و زحمتکش که تمام بار مسئولیت های مربوط به تربیت فرزند را بر دوش دارند، در نزد خداوند از جایگاه منحصر به فردی برخوردار هستند به طوری که در چندین آیه قرآن کریم، بر لزوم اطاعت و تکریم آنها فرمان داده شده است و ذات باری تعالی نام آنان را در ردیف نام خود قرار داده و بر رعایت مقام و منزلت آنها تأکید نموده است. در مقاله حاضر نویسنده ضمن تشریح موضوع احترام، به پاره ای از تأکیدات قرآن درخصوص ضرورت تکریم پاسداشت مقام پدر و مادر اشاره کرده است که اینک با هم آن را از نظر می گذرانیم.

جایگاه احترام در جامعه و رفتارهای انسانی

احترام در حوزه کنش های ارتباطی از جایگاه خاصی برخوردار است. اصولا انسان های بی احترام نمی توانند اجتماعی را تشکیل دهند. از این رو احترام متقابل به عنوان عنصر و مولفه اصلی در ایجاد جامعه دارای جایگاه و اهمیت خاصی است. با حفظ حریم ها و حرمت هاست که زمینه تعامل سازنده و مثبت میان دو شخص فراهم

می شود. به هر حال دو شخص، شخصیت ها و اندیشه ها و خواسته ها و منافع و نیازهای مستقل و جداگانه ای دارند و گاه این تفاوت ها خود عامل مهمی برای اختلاف و جدایی است. از این رو برخی از اندیشمندان چون استاد مرتضی مطهری بر این باور هستند که اصل، در میان انسان اختلاف است و تنها با بهره گیری از اصولی انسانی می توان آن را به اتحاد تبدیل کرد.

علامه طباطبایی خاستگاه و ریشه آن را در اصل استخدام می داند و بر این نکته تأکید می ورزد که استخدام، خود عاملی مهم در ایجاد اختلافات و هم چنین ایجاد و پدیداری جوامع است. به این معنا که دو شخص با دو شخصیت مستقل و متفاوت با یک دیگر، اختلاف طبیعی دارند ولی از آن جایی که می کوشند منافع خود را که به تنهایی قابل دست یابی نیست با استخدام و بهره گیری از دیگری برآورده سازند و لذا با دست کشیدن از برخی خواسته های کوچک تر و ریزتر و کوتاه آمدن از برخی دیگر، اجتماع را تشکیل می دهند تا با بهره گیری و استخدام دیگری به خواسته ها و منافع بزرگ تری دست یابند. البته استخدام و ایجاد اجتماع، پیامدهای نابهنجار و تضادهایی را به همراه دارد که گاه به تنازع و حتی درگیری های خشونت آمیز می انجامد. از این روست که قانون برای جلوگیری از افزایش اختلافات و تنازع به وجود آمد.

به هر حال اصول اجتماع بر پایه احترام متقابل و حفظ قانون و رعایت آن نهاده شده است. البته پیش از این که قانون حضور یابد احترام متقابل است که پایه های اجتماع را حفظ می کند و جامعه را معنا می بخشد. دو شخص، تنها زمانی نیاز به قانون می یابند که نتوانند با توجه به اصول انسانی و ظرفیت های عاطفی و اخلاقی با یک دیگر تعامل سازنده داشته باشند و کنار بیایند.

زمانی قانون پا به میدان می گذارد که عواطف و اصول اخلاقی انسانی نتواند تعامل را در موقعیت خود به درستی حفظ و برقرار کند. از این زمان است که عقل به شکل قانون حضور می یابد و با اصول خشک و غیرعاطفی و احساسی می کوشد تا تعادلی میان دو سوی درگیری برقرار کند.

بنابراین احترام که خاستگاهی عاطفی و احساسی دارد عاملی مهم و اساسی در حفظ تعادل اجتماعی و بقای ارتباط میان دو شخص و یا اشخاص و یا گروه های اجتماعی به شمار می آید.

خانواده، اجتماعی متفاوت

مسئله زن و شوهر در تحلیل قرآنی از هر اجتماع دیگری متفاوت است و تحلیل و تبیین دیگری دارد. اصولاً نمی توان روابط زن و شوهر را براساس روابط اجتماعی ای سنجید و یا تحلیل کرد که بیرون از دایره زن و شوهری هستند.

زن و شوهر در تحلیل قرآنی تنها برای استخدام اجتماع، خانواده تشکیل نمی دهند تا اصول اجتماعی آن را همانند دیگر اجتماع فرض کرد و یا اصول اجتماعی بیرون از دایره خانواده را بدان تعمیم و گسترش داد. بررسی این مطلب فرصت دیگری را می طلبد ولی در کوتاه سخن می توان گفت که خانواده از نظر قرآن تنها نهادی است که بر پایه عاطفه و احساس شکل می گیرد و مرد در تحلیل قرآنی تنها با زن آرامش و سکونت می یابد و زن بی

مرد اصولاً قوام نمی‌یابد و بی‌بهره‌گیری از تکیه‌گاهی به نام شوهر اصولاً نمی‌تواند برپا باشد. از این رو زن برای قوام خویش به مرد نیاز ذاتی دارد و مرد برای دست‌یابی به آرامش درون، نیاز ذاتی به زن دارد بر این اساس اجتماع زن و شوهر را نمی‌توان در دایره دیگر اجتماع دید. اصول و معیارهای ایجاد و پایداری آن با دیگر اجتماعات، تفاوت اساسی دارد و تنها وجه مشابهت آن در همان جمع و اجتماع دوتن البته با دو جنسیت مخالف و متفاوت یعنی زن و مرد است.

هر اجتماعی حتی اجتماع زن و شوهر و خانواده (دراین جا شامل فرزندان نیز می‌شود) براساس اصل احترام متقابل قوام می‌یابد و پایدار می‌گردد. از این روست که احترام در همه حوزه‌های اجتماعی از خرد تا کلان نقش سازنده و اساسی ایفا می‌کند.

احترام در آموزه‌های قرآنی

احترام از واژه‌های غیرمصرح قرآنی است که از ریشه حرم و حرمت گرفته شده. حریم چاه به معنای آن محدوده‌ای است که نمی‌توان بدان نزدیک شد و کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن محدوده را ندارد. حرمت شخص به معنای چیزی است که شخص از آن حمایت و دفاع می‌کند. احترام براین اساس چنان که در اصطلاحات عرفی نیز آمده به معنای تعظیم و تکریم و گرامی‌داشت شخص است که بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص یا هر چیز دیگری که محل احترام است، از نظر مردم دارای حرمت و حریمی است که می‌بایست آن را حفظ کرده و هتک آن نکرد.

چنان که گفته شد در قرآن این اصطلاح با لفظ احترام به کار نرفته ولی مفهوم آن به شکل اصطلاحات دیگر و یا بیان مصداقی احترام، تبیین و توصیه شده است. از این رو در آیات قرآنی سخن از حرام به معنای محترم شمردن ماه‌های خاص (توبه آیه 5)، نفس و جان آدمی (انعام آیه 151) خانه خدا (مائده آیه 97) و نیز تکریم (علق آیه 3 و اسراء آیه 70) و احسان و نیکوکاری (بقره آیه 83 و نساء آیه 36) و توقیر و بزرگداشت (فتح آیه 9) و تعزیز (همان) و تعظیم (حج آیه 30 و 32)، بسیار آمده که همه این‌ها همان مفهوم احترام اصطلاحی را به گونه‌ای بازگو می‌کند.

قرآن در برخی از موارد با بیان مصداق، به بازگویی احترام پرداخته و با تبیین موضوعی و مصداقی، مردمان را به عملی کردن احترام توجه داده است. به سخن دیگر احترام را تنها در حوزه گفتاری نگه نداشته و به حوزه عمل و رفتار اجتماعی سوق داده است تا شخص در کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری، هنجار خاصی را به عنوان احترام مراعات نماید. به عنوان نمونه همان گونه که از صلوات فرستادن بر پیامبر به زبان و دل به عنوان نوعی احترام و تکریم آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) یاد کرده (احزاب آیه 56 و نور آیه 27) و یا از سلام و تحیت گفتن زبانی سخن گفته است، (نساء آیه 86) از سجده کردن (یوسف آیه 100) اذن و پیش‌اجازه (احزاب آیه 53 و نور آیه 27) به عنوان نمودهای خارجی و عملی احترام یاد نموده است.

عدم تقدم بر دیگری، بلند نکردن صدا در برابر دیگران و آرام سخن گفتن، از دیگر نمونه های مصداقی احترام است که قرآن به آن اشاره کرده است. این آیات هرچند که درباره چگونگی احترام گذاری به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است ولی می توان آن را به دیگر افراد نیز تعمیم داد.

در عرف مردم، روش های دیگری برای احترام وجود دارد که هریک با توجه به سنت ها و آداب اجتماعی و فرهنگی مردم هر منطقه و یا هر جامعه متفاوت است. بلند شدن و یا دست به سینه بودن و یا بوسیدن پای والدین از نمونه هایی است که در جوامع مختلف برای احترام گذاشتن استفاده می شود.

انسان، نیازمند احترام

انسان به طور طبیعی احساس نیاز می کند که مورد توجه و احترام و تکریم قرار گیرد. گرایش ذاتی انسان به این است که آبرومند و با کرامت و با شخصیت و اعتبار اجتماعی باشد و از سوی مردم تکریم شود و آبروی وی حفظ و حرمت هایش پاس داشته شود. در داستان یوسف و زن عزیز مصر به این نکته به روشنی اشاره شده است. با آن که عمل خلاف و ناهنجاری از سوی همسر عزیز صورت گرفته اما وی از یوسف (علیه السلام) می خواهد که به پاسداشت آبرو و حیثیت اجتماعی از بیان داستان و رخداد خودداری کند. (یوسف آیه 29) هم چنین حضرت لوط (علیه السلام) از مردم خویش می خواهد که به خاطر حفظ احترام و پاسداشت آن، از تعرض به میهمانان وی خودداری کرده و او را نزد میهمانانش شرمنده نسازند. (حجر آیه 68 و 69)

قرآن از مردم می خواهد که برای حفظ آبرو و حرمت و احترام خویش به اعمالی نپردازند که موجبات خواری و بی احترامی شان را فراهم می آورد و آبروی آنان را در دنیا و آخرت از بین می برد. (نور آیه 4 و 23 و نیز نساء آیه 148 و زمر آیه 25)

از نظر قرآن احترام به دیگران و بی احترامی به آنان دارای آثار وضعی و تکلیفی و نیز پاداش و کیفر خاصی است. در برخی از آیات قرآنی به اثر وضعی بی احترامی، اهانت و تحقیر دیگران در آخرت اشاره شده است. (مطففین آیه 29 تا 36) در برخی دیگر نیز اشاره شده که کاهش نعمت و عدم جلب سود و یا خیر، به علت و سبب بی احترامی و عدم پاسداشت امری بوده است که می بایست حرمت و احترام آن نگه داشته می شد. (حج آیه 30)

جایگاه تکریم پدر و مادر در نزد خداوند

احسان و تکریم به پدر و مادر از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است و خداوند همواره پس از بیان حکم وجوب پرستش خدای یگانه، به احترام و تکریم پدر و مادر اشاره کرده و حکم می کند: «وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره آیه 83)

و نیز نساء یه 36)

قرآن در آیه 83 سوره بقره احسان به پدر و مادر را به عنوان پیمان خداوند با بنی اسرائیل یاد کرده است و می فرماید: «إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان و عهد گرفتیم که جز خدا را نپرستند و به پدر و مادر احترام گذارند و احسان و نیکی کنند.»

در این آیه و نیز در چهار مورد دیگر از جمله در سوره اسراء آیه 23 هنگامی که خداوند به مردمان فرمان می دهد که تنها او را بپرستند، بی درنگ حکم و فرمان احسان و نیکی به پدر و مادر را مطرح می سازد که بیانگر میزان اهمیت و جایگاه احسان به پدر و مادر در پیشگاه خداوند است. به این معنا که پرستش خدای یگانه و احسان به والدین در کنار هم آمده تا مردمان از جایگاه پدر و مادر آگاه شوند.

اگر خداوند به عنوان آفریدگار و پروردگار می بایست پرستش شود، پدر و مادر نیز به عنوان واسطه فیض وجود و نعمت های خداوندی بر انسان، باید مورد احترام و احسان قرار گیرند. از این رو خداوند امور چندی را که می تواند نسبت به خدا و پدر و مادر به جا آورده شود در کنار هم می آورد. به سخن دیگر اگر عبودیت و پرستش کسی غیر از خدا جایز بود آن شخص همان والدین هستند و از آن جایی که چنین امری کفر و شرک است خداوند فرمان می دهد که به جای پرستش ایشان در حق آنان احسان شود. احسان، برترین حالتی است که پس از پرستش می توان تصور کرد. به این معنا که احسان مرتبه دوم پرستش است و اگر پرستشی به غیر خدا جایز بوده حکم به آن می شد و چون امکان پذیر نیست مرتبه دوم آن مورد تأکید قرار گرفته است. امور دیگری که جایز است انسان هم نسبت به خدا و هم غیر خدا به جا آورد، خداوند در آیات قرآنی به آنها فرمان داده و از مردمان خواسته است تا آنها را انجام دهند. از این رو در آیه 14 سوره لقمان فرمان می دهد: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ از من و پدر و مادران تشکر کنید.»

برخی از مفسران باتوجه به نکره بودن احسان در آیه 23 سوره اسراء بر این باورند که نکره آوردن به معنای آن است که فرزندان می بایست در همه امور در حق آنان مراعات احسان را بکنند و چیزی را فروگذار نکنند. این حکم قرآنی اختصاصی به مؤمنان نداشته و همه انسان ها را دربرمی گیرد. قرآن به این شیوه دیگرانی را که ایمان به قرآن و خدا ندارند تشویق می کند که حداقل در حق پدر و مادر خویش به حکم وظیفه انسانی، احسان و احترام بگذارند.

روشهای احسان و تکریم والدین

احسان و احترام به پدر و مادر باتوجه به سنت ها و فرهنگ ها متفاوت است ولی اصولی انسانی است که می توان در همه جا آن را یافت و بدان پای بند بود. برخورد پسندیده براساس عرف هر جامعه و به کارگیری واژگان زیبا و شیوا، تواضع و فروتنی در برابر آنان، مهربانی و محبت، دعای خیر کردن برای ایشان، دوری از درشت گویی و یا حتی به کار نبردن واژه اف و خسته شدم و آخ و

دیگر اصوات نابهنجاری که ایشان را ناخوش آید از جمله روش های احسان و اکرام و احترام به پدر و مادر است. فریاد زدن و درشتی کردن و اف و اخ کردن و اعتراض نمودن و دشنام و ناسزا دادن و پیشی گرفتن از ایشان در نشستن و دراز کشیدن و امور دیگر می تواند از مصادیق بی احترامی به آنها باشد که می بایست از آنها پرهیز کرد. اطاعت کامل از پدر و مادر امری است که قرآن بدان فرمان داده و تنها موردی که استثنا شده و شخص می تواند از دستور پدر و مادر اطاعت نکند و با حفظ احترام ایشان از آن سرپیچی کند دستور آنها به کفر خداست که در این مورد می توان از حکم و فرمانشان اطاعت نکرد. اما در همأ موارد دیگر می بایست از ایشان اطاعت کرد و فرمان برد.

در روایت اهل بیت (علیه السلام) احترام به پدر و مادر و احسان به ایشان به معنای برخورد نیکو و رسیدگی به نیازهای آنان پیش از درخواست، و ابراز قول کریم به معنای طلب مغفرت آمده است.

تعبیر جناح الذل نیز نگاه با رأفت و رحمت و دوری از نگاه های تیز و تند و بلند نکردن صدا و بالا نبردن دست و پیش نیفتادن از آنان معنا شده است. (کافی ج 2 ص 715 تا 316) بر جای بلند و برتر نشانیدن از دیگر روش های تکریم و احسان به پدر و مادر و احترام نهادن به آنان است که از آیه 10 سوره یوسف می توان آن را به دست آورد. به هر حال تکریم و احترام به پدر و مادر امری است که بیش از هر کار دیگری بدان تأکید شده و نمی توان از آن چشم پوشید. نادیده گرفتن و بی احترامی به ایشان در این دنیا موجب می شود تا شخص گرفتار مصیبت ها و بلایا گردد و خیر و برکت از زندگی او برود و در آخرت نیز خوار و ذلیل شود.